

قصاص و مقررات آن: (۴)

نفی بیشرمانه حقوق انسانی زنان

دو خملت نخستین را در شماره های قبلی مورد بررسی قرار داده ایم و اینک در آخرین قسمت این مقالات، به خملت سوم لایحه می پردازیم.

پرده از روی دروغ باغیها بیشتر کنار زده می شود!

روحانیون چه قبل از قیام بهمن ماه و چه بعد از آن، درباره "مقام عالی زن در اسلام" چه عوام فریبی ها که نکردند و چه دروغ ها که نیاقتند! مثلاً آیت الله خمینی، در ۱۹ آبان ۵۷، در مصاحبه با نماینده سازمان عقوبین المللی گفت:

"اسلام زن را تا حدی ارتقاء میدهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از شایستگی بودن بیرون بیاید" (اسناد جنبش اسلامی، قسمت سوم از جلسه داول، انتشارات ابودر، ص ۳۴۲).

در مقطع قبل از قیام، از این گونه شعارهای تو خالی و تحمیق گرایانه چه فراوان از طرف آیت الله خمینی و روحانیون دیگر و پامنتری های مکتلای آنها ارائه شد! و بعد از قیام، با این که حاکمان جدید از همان روزهای اول، سرکوب زنان و اعمال فشار نسبت به آنان را آغاز کردند (از جمله حمله به اجتماع اعتراضی زنان توسط اوپاش و افراد مسلح

کمیته ها در اسفند ۵۷، لغو در آغاز - مخفیانه قانون حمایت خانواده در فروردین ۵۸ و نظائر اینها)، با این حال، بموازات این اقدامات، دست از دروغ پردازی برنداشتند. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، محبوب مجلس خبرگان، که در آذر ۵۸ انتشار یافت چنین می خوانیم:

"در ایجاد دنیاهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را بازیابی کردند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده اند، استیغای

حقوق آنان بیشتر خواهد بود..... و در

لایحه "قصاص و مقررات آن" را، که توسط شورای عالی قضائی تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، در سه شماره ای گذشته از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده ایم. در آن بررسی ها، با نقل مواد متعدد این لایحه، از جمله دیده ایم که:

- بر اساس لایحه مذکور، قتل بر سه نوع است: "عمد"، "شبه عمد" و "خطا". دو نوع اخیر - الذکر، از نظر شورای عالی قضائی، قتل و جنایت محسوب نمیشوند و متهم در صورت محکومیت، با پرداخت "دیه" (پول خون)، از مجازات معاف میگردد. اما "قتل عمد" نیز با توجه به استثنائات فراوان آن (که ذکر کرده ایم) و با بررسی راههای ساده روحانی "اثبات قتل عمد" یعنی: اقرار، شهادت و قسامه - در موارد لوث، دیده ایم که این نوع قتل، عملاً جز در موارد بسیار استثنائی، غیر قابل اثبات است. و در این موارد بسیار استثنائی نیز در صورتیکه قاتل مرد مسلمان و ثروتمند باشد، میتواند از مجازات فرار کند. و نتیجه گرفته ایم که لایحه قصاص، بزرگترین متروک و بهترین مشوق قتل و جنایت است و در صورت تصویب و اجرا میزان قتل و جنایت در جامعه، ابعاد هولناک و گسترده ای بخود خواهد گرفت.

- قتل و جنایت در حقوق اسلامی و در جمهوری اسلامی، هیچ ربطی به جامعه ندارد بلکه یک امر خصوصی است که می تواند بین قاتل و "اولیاء دم" بطور کدخدائی حل و فصل گردد.

- برای کشتار فردی و جمعی کمونیستها، نیروهای مترقی، کارگران و سایر زحمتکشان، خلقهای تحت ستم، زنان، اقلیت های مذهبی و خلاصه هر انسانی که با افکار ارتجاعی حاکمان جدید، با دیکتاتوری ولایت فقیه و با مقررات پوسیده قرون وسطائی به مخالفت برخیزد، لایحه قصاص مجوزهای شرعی و قانونی لازم را پیش بینی کرده، قاتل یا قاتلین در آن کشتارخانه تنها هیچگونه جرمی مرتکب نمی شوند بلکه با نابودی کسانی که "شرعاً مستحق کشتن" هستند به تکلیف شرعی خود عمل می کنند.

در قسمت های پیشین این سلسله مقالات، سه خملت عمده برای لایحه قصاص بر شمرده ایم:

۱- خملت فوق ارتجاعی مقررات پوسیده قرون وسطائی.

۲- خملت نفرت انگیز طبقاتی درسی پرده ترین شکل ممکن.

۳- نفی بیشرمانه حقوق انسانی زنان.

نتیجه ((زن در جامعه اسلامی)) پذیرای مسئولیتی خطرناکتر در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والا تر خواهد بود.

اصل بیست و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را مکلف می کند که " حقوق زن در تمام جهات " از جمله در خصوص " ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او " را تضمین کند.

اصل بیست قانون اساسی کذائی مدعی است که زنان مورد حمایت قانون و " از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، برخوردارند (تاکید ها همه جا در این مقاله از ما ست) .

زنان جامعه ما در این بیست و سه ماده بویژه پس از تصویب همین قانون اساسی در آذر ۵۸، مفهوم عمیقاً مغایر و معکوس این شعارهای دروغین را با تمام وجود خود احساس کرده اند. پس از تشکیل دادگاههای مدنی خاص و اعمال انواع و اقسام سرکوب و تحقیر در مورد زنان، وقتی که رژیم جمهوری اسلامی در (فرصت مساعد) ماه رمضان گذشته، زنان را در کارخانه ها و ادارات در مقابل دوراهی : اخراج یا " پوشش اسلامی " قرارداد، آنان به مفهوم دیگری از برخورداری " از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی " خود در جامعه اسلامی دست یافتند. علی رغم تمام دروغ پردازیهای ارائه شده در فوق، زنان در زندگی روزمره خود در دریافتند که در رژیم جمهوری اسلامی از بدوی ترین " حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی " محرومند. علی رغم ادعای آیت الله خمینی در ۱۲ آبان ۵۷ (که در فوق ارائه داده ایم)، زن در حقوق اسلامی، یک وسیله و یک شیئی است در دست مرد. مرد هر وقت که اراده کرد می تواند... داد و از دست مانند یک شیئی مستعمل بدور بریزد. چه نمونه ای رساتر از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی (که دقیقاً از فقه اسلامی گرفته شده) : " مرد می تواند هر وقت خواست زن خود را طلاق دهد... دهها نمونه از این گونه رami توان در مباحث نکاح (دائم و موقت)، طلاق، وراثت، اقامتگاه، شهادت، ولایت قهری و غیره و غیره بدست داد تا مشاهده شود که زن چگونه " مقام انسانی خود را در جامعه باز " خواهد یافت و " از شیئی بودن بیرون " خواهد آمد.

جدید ترین تحقیر به مقام انسانی زن در رژیم جمهوری اسلامی رami توان در سند ننگین شورای عالی قضائی مشاهده کرد. ببینیم که عالی ترین مرجع قضائی در جمهوری اسلامی چگونه مفاد اصل ۲۱ قانون اساسی همین جمهوری اسلامی در " ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او " را تضمین می کند.

زن در جمهوری اسلامی و در حقوق اسلامی در بهترین حالت (یعنی در صورت مسلمان بودن)، نصف انسان است. در قسمت سوم این مقاله، علاوه بر ارائه نمونه هایی در این زمینه، دیده ایم که زن (و مرد) کافر دمی (یعنی تیر وادیان

زردشتی، یهودی و مسیحی) در جرگه حیوانات بشمار میرود. بدتر از آن، وضع زن (و مرد) غیر اهل ذمه (یعنی پیرو ادیان و مذاهب دیگر)، کافر و مشرک است که حتی ارزشی در حد حیوان نیز ندارد و کشتن وی شرعاً جائز و در شرایطی حتی لازم و تکلیف شرعی است.

اینکه میگوئیم زن در حقوق اسلامی و در جامعه اسلامی، در بهترین حالت (در صورت مسلمان بودن)، نصف انسان است، شعار نیست، تهمت و افتراء و توطئه کمونیستها هم نیست. مستندش را در قسمت سوم مقاله، از علامه محقق حلی و " شهید اسلام " (شیخ فضل الله نوری) بدست داده ایم و در اینجا، به لایحه شورای عالی قضائی استناد می کنیم:

ماده ۵ لایحه قصاص می گوید: " هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن، قاتل از قصاص قاتل، نصف دیه را بپردازد."

در ماده ۶ می آید: " هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را بقتل رساند فقط محکوم به قصاص است و نباید چیزی به اولیا دم بپردازد." دو عبارت فوق را ساده تر بیان کنیم: در ماده ۶ مسئله روشن است: اگر زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را کشت، قاتل (زن مسلمانی) باید بدون هیچگونه اما، ولی، لیکن " کشته شود. چرا؟ به این دلیل ساده که آن زن مسلمان، یک انسان کامل یعنی یک مرد مسلمان را بقتل رسانده است. اما اگر مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را کشت (ماده ۵)، در اینجا " فقط " جای خود را با " لیکن " عوض می کند. در این حالت، قاتل (مرد مسلمان) در صورتی قصاص می شود که " ولی زن " (مقتول) چیزی هم بدهکار نشود و به قاتل (مرد مسلمان) باج بدهد یعنی " نصف دیه " (پول خون) قاتل را به خود او (قاتل از کشته شدن) بپردازند. چرا؟ بدلیل اینکه مقتول (زن مسلمان) یک انسان کامل نیست بلکه نصف قاتل (مرد مسلمان) ارزش دارد، و از آنجا که نمی توان نصف قاتل (مرد مسلمان) را کشت پس چاره ای نیست که " ولی مقتول " (زن مسلمان)، در صورت اصرار بر به مجازات قاتل، باید نصف دیه مرد مسلمان را به خود او بدهند.

در ماده ۴۶ لایحه قصاص می آید: " هرگاه مردی زنی را بقتل رساند، ولی دم مخیر است بین قصاص یا پرداخت نصف دیه کامل به قاتل و بین دیه کامل زن از قاتل."

در اینجا نیز همان قضیه نصف انسان، که توضیح اش را در مورد ماده ۵ داده ایم، کاملاً صادق است با این تفاوت که در این مورد پیدا است که قاتل و مقتول هیچکدام مسلمان نیستند و از این نظر " محکوم به قصاص " مندرج در ماده ۵ به " مخیر است بین " تغییر یافته است، ولی در این مورد نیز، که مرد وزن (قاتل

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان، انقلابی دگر باید

قصاص و...

و مقتول (هیچکدام مسلمان نیستند یا زرن غیر مسلمان ، نصف مرد غیر مسلمان است . مرتجعین جمهوری اسلامی میخواهند که تفکر قرون وسطائی خود را به پیروان ادیان دیگر نیز تحمیل کنند . ماده ۳۳ در مبحث " شهادت " چنین میگوید :
الف - قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود .

" ب - قتل شبه عمد و خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دوزن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می شود " .
روشن تر اینکه در مورد قتل عمد ، شهادت دو مرد عادل لازمست و لا غیر . یعنی که شهادت یک مرد عادل در کنار شهادت حتی چندین هزار زن عادل برای اثبات وقوع قتل عمد ، کافی نیست . اما در مورد قتل های شبه عمد و خطا ، شهادت دو مرد عادل مساویست با شهادت یک مرد عادل و دوزن عادل (یعنی یک مرد + دوزن یا دو نصف مرد) . از طرف دیگر ، بر اساس همین ماده ، شهادت دو زن عادل دارای ارزشی معادل با قسم مدعی می باشد .

مسئله فقط این نیست که مقررات مسدود دوران توحش و بربریت همچون تف سربالا بستر صورت تهیه کنندگان و تصویب کنندگان مرتجع آن خواهد ما سید و بحکم قانون تکامل جامعه ، امکان تحقق نخواهد یافت و چون کودکی مسرده بدنیا خواهد آمد ، مسئله اساسی برای زنان و مردان آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی از هم اکنون اینست که به کوتوالان ارتجاع ، اجازه ندهند که به ستم مضاعف نسبت به زنان ایرانی ، ابعاد جدید و هولناکی ببخشند و تجارت این رادر خرد بیاهند که ارزش انسانی نیمی از مردم کشور ما را اینچنین و قیحانه مورد تحقیر قرار دهند .

هفته نامه

رهائی

نشریه

سازمان وحدت کمونیستی